



## بقاع

بقاع، (جمع بقعه)، **جلگه‌ای** باریک و طولیل میان جبل **لبنان** و **جبل الشرفی**، با **ارتفاع** متوسط هزار **متر** می‌باشد.

### فهرست مندرجات

- ۱ - نام بقاع در روزگار باستان
- ۲ - طبیعت بقاع
- ۳ - آب و هوای بقاع
- ۴ - علت آبادی بقاع
- ۵ - تعداد جمعیت بقاع
- ۶ - محصول کشاورزی بقاع
- ۷ - مذهب ساکنان بقاع
- ۸ - نواحی مشهور بقاع
- ۹ - مهمترین مرکز بقاع
- ۱۰ - وجه تسمیه بقاع
- ۱۱ - آیین‌های باستانی مردم بقاع
- ۱۲ - جغرافیای بقاع
- ۱۳ - ساکنین بقاع در طول تاریخ
- ۱۴ - جنگ‌های اقوام مختلف در بقاع
- ۱۵ - نام بقاع در آثار گذشتگان
- ۱۶ - حمله صلیبیان به بقاع
- ۱۷ - اوضاع بقاع در حمله مغول
- ۱۸ - فهرست منابع
- ۱۹ - پانویس
- ۲۰ - منبع

### نام بقاع در روزگار باستان

در **روزگار باستان** این **جلگه** را کوبله سیریا (=سوریه محوّف) می‌خوانده‌اند، این تعبیر بعدها رواج بیشتری یافت.

### طبیعت بقاع

این جلگه که در اصل **گودالی** زمین‌ساختی بوده و از لایه‌های رسوبی انباشته شده، دنباله **شکاف** (=غور) زمین‌ساختی **اردن** در طول محور **شمال** به **جنوب** است و یکی از مشخصات بنیادی ساختار خاور نزدیک به شمار می‌آید.  
بخشی از **آب‌های** این جلگه به دو **روبخانه** **لبنانی** و **نهرالعاصی**، که از دو سوی ارتفاعت **یطیک** سرچشمه می‌گیرند می‌ریزد.  
نهرالعاصی از ارتفاعت صعب‌العبور جنوب، و **لبنانی** از دره‌ها و آبکندهای منتهی به **فلات** **بازالتی** **جمص** سراریر می‌شوند و از این سرزمین می‌گذرند.

### آب و هوای بقاع

آب و هوای قاره‌ای، این جلگه را به صورت دشتی نیمه‌بایر درآورده است، ولی در گوشه و کنار آن واحه‌ها و آبگیرهایی می‌توان یافت که از **دیرباز** **باتلاق** و **مرداب** بوده است و همین امر سخن **ققشندی** را که از وجود دریاچه‌ای به نام دریاچه بقاع در روزگار خود نام برده موجه می‌سازد.

### علت آبادی بقاع

شبکه‌های زمکشی و آبیاری که از عصر تنگیز، نایب‌الحکومه **سوریه** در آغاز **عهد** ممالیک باقی مانده و هنوز هم مشهور است، در عمران و توسعه این سرزمین مؤثر بوده است.

## تعداد جمعیت بقاع

اما **جمعیت** این جلگه هنوز هم اندک است.

## محصول کشاورزی بقاع

و محصول عمده آن کماکان **حبوبات** است که بنابر نظام مالکیت جمعی یا بزرگمالکی **کشت** می‌شود.

## مذهب ساکنان بقاع

بیشتر ساکنان آن **مسلمان**، و در شمال عمدتاً **شیعه**، هستند و بیش‌تر در دهکده‌های بزرگ کوهپایه‌های این سرزمین، که غارهای موجود در آن از قدیم عزالت‌گزیان را جلب می‌کرده است، زندگی می‌کنند.

## نواحی مشهور بقاع

علاوه بر اماکن متعددی که به واسطه بقایای ابنیه تاریخی و غارهای **ججاری** شده‌شان مشهورند، از میان محلات و نواحی بازمانده در این **دره** مرتفع، که در ایام باستان مسکن اقوام اسکان یافته بوده و به سبب داشتن راه بازرگانی پر رفت و آمد از زمان فتوحات دوره اسلامی از ثروتمندترین نواحی **ایالت دمشق** بوده است، می‌توان از عین الجَزّ اقامتگاه **امویان**، روستای دورافتاده **گزک نوح**، که روزگاری پایتخت ممالیک بوده، و بالاخره دهکده‌های کوچک و مرفهی نظیر **زحله** نام برد.

## مهمترین مرکز بقاع

بعلبک همواره مهم‌ترین مرکز این سرزمین بوده است، گرچه این **قلعه** نظامی که دیر زمانی تمامی این **کشور** را تحت **سلطه** و اقتدار خود داشت، در عهد ممالیک اهمیت خود را به نحو قابل ملاحظه‌ای از دست داد و اداره حومه آن، که به دو ناحیه تقسیم می‌شد، به **فرماندار** یا **والی** مستقلی واگذار شد. از آن پس، در جنب «نیابت» بعلبک، دو «**ولایت**» بقاع‌البعلبکی و بقاع‌العزیزی نیز پدید آمد.

## وجه تسمیه بقاع

به نظر مورخان **مسلمان**، نام بقاع‌العزیزی از نام العزیز، پسر صلاح‌الدین ایوبی، گرفته شده و به گفته برخی از محققان امروزی با نام خدای باستانی این **سرزمین**، **آزیوس**، نسبتی دارد.

## آیین‌های باستانی مردم بقاع

بقایای آیین‌های باستانی مردم این سرزمین را احیاناً می‌توان در نام‌های رایج و متعدد نقاط مختلف این سرزمین از جمله آثار و بناهای بر جای مانده مشاهده کرد؛ این نام‌ها پیش از همه، **داستان** نوح و طوفان نوح یا شخصیت **الیس نبی** را تداعی می‌کنند که مردم را از **پرستش بعل نبی** می‌کرده است.

## جغرافیای بقاع

سرزمین بقاع با **طول** حدود ۶۰۰، ۱ و **عرض** ۱۰-۱۶ کیلومتر، با جهت جنوب غربی - شمال شرقی در مشرق لبنان و جنوب غربی **سوریه** قرار دارد،

## ساکنین بقاع در طول تاریخ

نخستین بار در هزاره دوم ق م، **قوم بطوریون** که در شمال شرقی **دریای جلیل** (دریاچه طبریه) زندگی می‌کردند، به اطراف دمشق و دره بقاع رفتند و پس از **تصرف** بعلبک، در آنجا دولتی تأسیس کردند.

[۱] جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱، ص ۴۴۳-۴۴۴، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.

[۲] جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۲، ص ۶۲۳، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.

نبطیان نیز در دوره گسترش فرمانروایی خود، دمشق و دشت بقاع را در تصرف داشتند و یکی از شاهان آن‌ها به نام حارث سوم (۶۲-۸۶ ق م) به دمشق دست یافت.

- [۱۲] جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۳، ص ۱۵، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
- [۱۴] جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۳، ص ۳۰، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.

## جنگ‌های اقوام مختلف در بقاع

- در جنگ‌های **سیاسیان** با تئمریان در زمان شاپور اول گروه بزرگی از **یهود** در صفوف **دشمنان** زبّاء (ملکه تَمر) بودند که تحت تأثیر آرای **فلاسفه** و علمایی که در تَمر و بقاع می‌زیستند، قرار داشتند.
- [۱۵] جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۳، ص ۱۱۱، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
- در ۱۳، خالد بن ولید با حمله به ارکه، خُوارین و نواحی دیگر (واقع در دره بقاع) به آن منطلق حمله کرد
- [۱۶] احمد بن یحیی بلذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۱۵۴، **چلب عبدالله انیس طَباع** و **عمر انیس طَباع**، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷.
- به نوشته **یعقوبی**،
- [۱۷] احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۱، بیروت (بی تا).
- ابو عبیده بن جراح** در ۱۴ **خالد بن ولید** را با سپاهی به **بعلبک** و بقاع فرستاد و خالد آن نواحی را فتح کرد در ۶۶، (در دوره **حکومت عبدالملک بن مروان**) بادی‌نشینان عرب به **حمص** و بعلبک و بقاع **حمله** کردند.
- [۱۸] علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۲۹۹، چلب شارل پلا، بیروت ۱۹۶۵-۱۹۷۹.

## نام بقاع در آثار گذشتگان

- در **قرن سوم**، ابن خردادبه
- [۱۹] ابن خردادبه، کتب المسالک و الممالک، ج ۱، ص ۷۷، چلب نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
- وقتی از حوزه دمشق و اقالیم آن سخن می‌گوید، از بقاع نام می‌برد در آن زمان، به نوشته قدامة بن جعفر،
- [۲۰] قدامة بن جعفر، کتب الخراج، ج ۱، ص ۲۱۹، چلب نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
- جاده حمص - دمشق، از بقاع عبور می‌کرده؛ اما به گفته یعقوبی
- [۲۱] احمد بن اسحاق یعقوبی، کتب البلدان، ج ۱، ص ۳۲۵، چلب نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
- راه برید، از جوسیه به بقاع و سپس به بعلبک می‌رسیده است این فقیه
- [۲۲] ابن فقیه، مختصر کتب البلدان، ج ۱، ص ۱۰۵، چلب نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
- نیز به نقل از مدائنی، بقاع را از نواحی دمشق شمرده است مقدسی در ۳۷۵ می‌نویسد بعلبک مرکز بقاع و آبادی‌هایش کابید، عَرجموش و زَبَدانی است.
- [۲۳] محمد بن احمد مقدسی، کتب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۱، ص ۱۵۴، چلب نخویه، لیدن ۱۹۶۷.

## حمله صلیبیان به بقاع

- در ۵۷۲/۱۱۷۶، **صلیبیان** به بقاع تاختند و آنجا را **غارت** کردند شمس‌الدین محمد بن عبدالملک بن مقدم، فرمانروای بعلبک، با شنیدن این **خبر** در نزارهای بقاع **کمین** کرد و بر آنان حمله برد، عده‌ای را کشت و دویست نفر را اسیر کرد و به نزد صلاح‌الدین ایوبی فرستاد.
- [۲۴] **ابن اثیر**، **الکامل فی التاریخ**، ج ۱۱، ص ۴۳۶۴۳۷، بیروت ۱۳۸۶/۱۳۸۵، ۱۹۶۶/۱۹۶۵.
- [۲۵] ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون المسمی کتب العبر و دیوان المبتدا والخبر، ج ۵، ص ۳۴۸، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۳.

## اوضاع بقاع در حمله مغول

- در حمله **مغول**، کنت ژولیان، امیر صیدا و شقیف آرنون، فرصت را مغتنم شمرد و به دره ثروتمند بقاع حمله کرد.
- [۲۶] استیون رانسیمن، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۳، ص ۳۶۹، ترجمه منوچهر کاشف، تهران ۱۳۵۱-۱۳۵۸ ش.
- در ۷۱۲، هنگام عبور ناصر سوم، سلطان **مصر**، از کرک به قصد فتح دمشق، دشمن وی آفرم از مقابل وی گریخت و به بقاع‌العزیز (قسمت جنوبی بقاع) پناه برد، و ناصر بدون هیچ‌گونه مانعی دمشق را گرفت.
- [۲۷] عبدالله بن محمد کاشانی، تاریخ اولجایتو، ج ۱، ص ۱۳۸، چلب مهین همیلی، تهران ۱۳۴۸ ش.
- در ۱۰۱۷ امیر فخرالدین دوم، امیر لبنان که دست نشانده **عثمانیان** بود، **طرابلس** و بعلبک و بقاع را به تصرف درآورد و در ۱۲۳۶ بشیر شهاب ثانی، امیر لبنان، بقاع را ضمیمه **خاک لبنان** کرد.
- [۲۸] فیلیپ خوری حتی، تاریخ عرب، ج ۱، ص ۹۱۴، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران ۱۳۶۶ ش.
- [۲۹] فیلیپ خوری حتی، تاریخ عرب، ج ۱، ص ۹۱۷، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران ۱۳۶۶ ش.

## فهرست منابع

- (۱) علی بن ابی بکر هروی، الاشارات الی معرفة الزیارات، چلب سوردل - تومین، ص ۹-۱؛
- (۲) یاقوت حموی، معجم البلدان، چلب فردیناند ووستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳؛

- (۳) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۸۵-۱۳۸۶/۱۹۶۵-۱۹۶۶.
- (۴) ابن خردادبه، کتب المسالك والممالک، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
- (۵) ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون المسمی کتب العبر و دیوان المبتدا والخبر، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۳.
- (۶) ابن فقیه، مختصر کتب البلدان، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
- (۷) احمد بن یحیی بلانری، فتوح البلدان، چاپ عبدالله انیس طبّاع و عمر انیس طبّاع، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷.
- (۸) فیلیپ خوری حتّی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران ۱۳۶۶ ش.
- (۹) استیون رانسیمن، تاریخ جنگهای صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، تهران ۱۳۵۱-۱۳۵۸ ش.
- (۱۰) جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
- (۱۱) قدامة بن جعفر، کتب الخراج، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
- (۱۲) عبدالله بن محمد کاشانی، تاریخ اولجایتو، چاپ مهین همبلی، تهران ۱۳۴۸ ش.
- (۱۳) علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، چاپ شارل پلا، بیروت ۱۹۶۵-۱۹۷۹.
- (۱۴) محمد بن احمد مقدسی، کتب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
- (۱۵) احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بیروت (بی تا).
- (۱۶) احمد بن اسحاق یعقوبی، کتب البلدان، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.

## پانویس

۱. ↑ جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱، ص ۴۴۳-۴۴۴، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
۲. ↑ جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۲، ص ۶۲۳، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
۳. ↑ جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۳، ص ۱۵، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
۴. ↑ جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۳، ص ۳۰، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
۵. ↑ جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۳، ص ۱۱۱، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
۶. ↑ احمد بن یحیی بلانری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۱۵۴، چاپ عبدالله انیس طبّاع و عمر انیس طبّاع، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷.
۷. ↑ احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۱، بیروت (بی تا).
۸. ↑ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۳، ص ۲۹۹، چاپ شارل پلا، بیروت ۱۹۶۵-۱۹۷۹.
۹. ↑ ابن خردادبه، کتب المسالك والممالک، ج ۱، ص ۷۷، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
۱۰. ↑ قدامة بن جعفر، کتب الخراج، ج ۱، ص ۲۱۹، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
۱۱. ↑ احمد بن اسحاق یعقوبی، کتب البلدان، ج ۱، ص ۳۲۵، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
۱۲. ↑ ابن فقیه، مختصر کتب البلدان، ج ۱، ص ۱۰۵، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
۱۳. ↑ محمد بن احمد مقدسی، کتب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۱، ص ۱۵۴، چاپ نخویه، لیدن ۱۹۶۷.
۱۴. ↑ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۴۳۶۴۳۷، بیروت ۱۳۸۵/۱۳۸۶-۱۹۶۵/۱۹۶۶.
۱۵. ↑ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون المسمی کتب العبر و دیوان المبتدا والخبر، ج ۵، ص ۳۴۸، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۳.
۱۶. ↑ استیون رانسیمن، تاریخ جنگهای صلیبی، ج ۳، ص ۳۶۹، ترجمه منوچهر کاشف، تهران ۱۳۵۱-۱۳۵۸ ش.
۱۷. ↑ عبدالله بن محمد کاشانی، تاریخ اولجایتو، ج ۱، ص ۱۳۸، چاپ مهین همبلی، تهران ۱۳۴۸ ش.
۱۸. ↑ فیلیپ خوری حتّی، تاریخ عرب، ج ۱، ص ۹۱۴، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران ۱۳۶۶ ش.
۱۹. ↑ فیلیپ خوری حتّی، تاریخ عرب، ج ۱، ص ۹۱۷، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران ۱۳۶۶ ش.

## منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «بقاع»، شمار ۱۱۷۸.

رده‌های این صفحه: [جغرافیای اسلامی](#) | [سوریه](#) | [لبنان](#)